



دیدگاهها

باز هم غم عشق

دارد زمزمه می‌کند: «یک قصه بیش نیست غم عشق وای عجب
کز هر زبان که می‌شنوم نامکرر است»
می‌گویم: شاعر شده‌ای یا...
می‌گوید: حدیث نفس می‌گویم
پيله می‌کنم: باز چه شده
تکرار می‌کند: یک قصه بیش نیست ...
حوصله‌ام از دست این دوست جوان داروساز سر
می‌رود می‌خواهم رهایش کنم با غم عشقش. بلند که
می‌شوم سرراهم می‌ایستد و کاغذی را جلو چشمم
تکان می‌دهد: بگیر بخوان
می‌خوانم ... می‌خوانم و بعد نگاهش می‌کنم زل زده به
من ... منتظر است از دهانم دُر ببارد و او غم عشقش! را
چاره کند. می‌گویم:
«مفلسانیم و هوای می و مطرب داریم

آه اگر خرقه پشمین به گرو نستانند»
با غضب کاغذ را از دستم می‌ستانند: همین...؟ می‌گویم:
آره همین!
از جلو در کنار می‌رود... دارد بیرونم می‌کند. روی لبه
تخت خوابگاه می‌نشانمش:
- بین دوست من ... ما داروسازیم ... ما بموجب یک
ورقه و به ازاء ۲۰-۱۸ سال درس خواندن شده‌ایم (یا
می‌شویم) داروساز ... دکتر داروساز ... یعنی می‌توانیم
برویم و جواز داروخانه‌ای بگیریم و پشت داروخانه‌مان
به خلق خدا خدمتی بکنیم ولی ... تو فکر می‌کنی
می‌توانیم؟ شیر دود می‌کند بطرفم: چرا که نه ... لبخند
می‌زنم: صدایت از جای گرم درمی‌آید تو ... اگر
۲-۳-۵ یا ۱۰ میلیون داری که فقط پول سرقفلی آن
محل موهوم را بدهی ... چرا سه وعده غذایت را
کرده‌ای یک وعده؟ تو فکر نمی‌کنی که آن مدرک
درجوار آن سرمایه (که وقتی مال تو نیست چه فرقی

می‌کند مال کی باشد!!) است که معنی پیدا می‌کند... غضبناک است و برافروخته فریاد می‌زند: ... تو دیگر چرا؟ می‌خندم...: گیرم که منم... مگر نه اینکه ما نیز از «مفلسانیم» و مگر نه اینکه در عنفوان کهولت «خرقه پشمین» یا همان مدرک دکتری را به گروه گذاشته‌ایم و شده‌ایم «مستول فنی»! پس لختی از آن آسمان ابری و گاهی آفتابی خیالات فرود آ و پا بر خاک استوار کن آنگاه سنگینی وزنت را از اثری که بر خاک نهاده‌ای، حدس بزن.

زمزمه می‌کند: که اینطور پس باید از دوستانی که با سرمایه گذاری خود موجبات اشتغال اینجانبان را فراهم می‌آورند، سپاسگزاری هم بکنیم؟

می‌گویم: چرا که نه... چون هستی من زهستی اوست تا هستم و هست دارمش دوست!!

و نامه سرگشاده دانشجویان دانشکده داروسازی اصفهان را از دستش می‌گیرم می‌پرسد: اینو می‌خوای چه کنی؟

جوابش را می‌دهم: توی نشریه چاپش می‌کنیم تا همه داروسازهای دانشگاه رفته بدانند که علیرغم رد شدن طرح اداره مستقل داروخانه‌ها توسط افراد تجربی... روایت تازه‌ای از غم عشق!! دارد به گوش می‌رسد اینرا می‌گویم و راهم را می‌کشم بطرف دفتر ماهنامه رازی...

دکتر عشقی

حضور محترم سردبیر ماهنامه رازی:

احتراماً بعرض می‌رساند بدنبال رد گردیدن چند باره اداره مستقل داروخانه‌ها توسط افراد تجربی در مجلس محترم شورای اسلامی و شورای معظم نگهبان گویا مجدداً این گروه با مطرح کردن یک سؤال کلی که "آیا سرمایه گذاری توسط غیر داروساز در داروخانه اشکال شرعی دارد یا خیر؟" از یکی از مراجع تقلید و

یکی دیگر از آیات عظام جواب کلی گرفتند که: "خیر، اشکال ندارد" اما این عده این پاسخ کلی و کوتاه را دستاویز قرار داده‌اند و دوباره در آن وزارتخانه موضوع را مطرح ساخته‌اند و با این مغلطه که "شرع، مقدم بر قانون است" خواستار واگذاری حق تأسیس و صدور پروانه داروخانه به افراد غیر داروساز شده‌اند. لذا اینجانبان دانشجویان دانشکده داروسازی اصفهان که مدت ۶ سال از بهترین سالهای جوانی خود را صرف کسب این علم (که در دنیا اهمیت استراتژیک دارد) نموده‌ایم و مقادیر هنگفتی هزینه بصورت ریالی و ارزی صرف تحصیل ما گردیده است، عنوان پاره‌ای از مسائل را ضروری می‌دانند:

۱- در نظام ولایت فقیه قانون همان شرع است و از طریق مقام معظم رهبری، مجلس شورای اسلامی و شورای محترم نگهبان قابل تصویب و یا تغییر است و تمسک به غیر این مورد برای پیشبرد حتی منافع مقطعی ضدیت با ولایت مطلقه فقیه است و موجب هرج و مرج و بی‌قانونی می‌گردد.

۲- همانطوریکه عنوان گردید بودجه و هزینه‌های بسیاری صرف تحصیل داروسازان گردیده است و دانشکده‌های بسیاری تحت پوشش وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه آزاد اسلامی به فعالیت می‌پردازند و یا در حال تأسیس می‌باشند و مطرح کردن این موضوعات سبب دلسردی و بلا تکلیفی قابل توجه آنان می‌گردد.

۳- به جای مطرح گردیدن این موارد، بهتر است تسهیلات مالی و اعتباری جهت تأسیس داروخانه توسط داروسازان جوان فراهم گردد.

۴- عنوان نمودن تأسیس داروخانه توسط غیر داروسازان در مناطق محروم که برخی از آنان حتی پزشک هم ندارند و از جمعیت بسیار اندکی نیز برخوردار می‌باشند می‌تواند به انگیزه سود فراوان و

غیرمشروع از طریق اقدامات غیر قانونی در نقل و انتقال داروهای کمیاب باشد بخصوص در نقاطی که مردم آنجا به عللی ساده‌تر فریب می‌خورند و دسترسی مسئولین نیز کمتر می‌باشد.

با تقدیم احترام



تذکر:

نامه فوق همراه تعداد زیادی از امضاهای دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بود که برای حفظ امانت، کلیشه کلیه امضاها را از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرانیم:

رونوشت: ۱- مقام معظم رهبری

۲- دانشکده داروسازی دانشگاههای کشور

۳- معاونت امور داروئی اصفهان

۴- سازمان نظام پزشکی اصفهان



7AIC1108
 7AIC1109
 7AIC1110
 7AIC1111
 7AIC1112
 7AIC1113
 7AIC1114
 7AIC1115
 7AIC1116
 7AIC1117
 7AIC1118
 7AIC1119
 7AIC1120
 7AIC1121
 7AIC1122
 7AIC1123
 7AIC1124
 7AIC1125
 7AIC1126
 7AIC1127
 7AIC1128
 7AIC1129
 7AIC1130
 7AIC1131
 7AIC1132
 7AIC1133
 7AIC1134
 7AIC1135
 7AIC1136
 7AIC1137
 7AIC1138
 7AIC1139
 7AIC1140
 7AIC1141
 7AIC1142
 7AIC1143
 7AIC1144
 7AIC1145
 7AIC1146
 7AIC1147
 7AIC1148
 7AIC1149
 7AIC1150
 7AIC1151
 7AIC1152
 7AIC1153
 7AIC1154
 7AIC1155
 7AIC1156
 7AIC1157
 7AIC1158
 7AIC1159
 7AIC1160
 7AIC1161
 7AIC1162
 7AIC1163
 7AIC1164
 7AIC1165
 7AIC1166
 7AIC1167
 7AIC1168
 7AIC1169
 7AIC1170
 7AIC1171
 7AIC1172
 7AIC1173
 7AIC1174
 7AIC1175
 7AIC1176
 7AIC1177
 7AIC1178
 7AIC1179
 7AIC1180
 7AIC1181
 7AIC1182
 7AIC1183
 7AIC1184
 7AIC1185
 7AIC1186
 7AIC1187
 7AIC1188
 7AIC1189
 7AIC1190
 7AIC1191
 7AIC1192
 7AIC1193
 7AIC1194
 7AIC1195
 7AIC1196
 7AIC1197
 7AIC1198
 7AIC1199
 7AIC1200